

محمد نجات و هنده بشر

محمد برگزین پینمیران است و هر -  
 و گاه بردنای کلونی حکومت مکرر کلیه عقده‌ها  
 و مشکلات بشریت را یکی پس از دیگری با سر -  
 و انگشت حکمت و درایت خود میکشود .  
 دین مستقیم کدوین محمد (ص) بیگانه‌دینی است  
 و که با تمام ادوار زندگی بشری مناسب میباشد و  
 و قابلیت آنرا دارد که هر سلسله را یحود جلب کنده .

بر ناردشاه فیلسوف شهیر انگلیسی

... در آ زمان عربستان ظلمتکدمای بیش نبود . ملتی نادان و گمراه در میان آلودگی‌ها  
 و ابحر افات خود بو ظهور بودند . مکه تا بسره دستک و پستی فرورفته و خانه خدا به پنجاهای تبدیل  
 گشته بود . در هر گوشه و کنار پر از کشتی و خونریزی و کشته و آشوب حکمفرما بود . پستی و  
 لثامت ، فساد قلب و خرافات جز ما خلق عوسمی آن گشته بود ، زمینهای گرم و سوزان  
 عربستان از خون بیچارگان و بی پناهان گلر لک شده و آسمان از فریاد بر درگان سپهر و وزیلر در آمده  
 بود فریاد بیوه زنان و آویزشان و جسد تمیده گان در زمینند و امن کوه صراطین آساز بود . زمین از قبول  
 دختران بیگناه و عیسوی که توسط پدران متعصب و تنگ بین خود زنده بگور میشدند . خجلت داشت  
 هزارها برده در زیر شلاق اربابان ستمکار خود جان میسپردند . زور گویی و ظلم و ستم  
 و خونخواری بر همه دلها حکمفرما بود .

در این سرزمین بومی از دانش و علم بشام نمیرسید و شکوفه اراد بیات و حکمت در اشاری هجو  
 و بی معنی خلاصه شده بود . مقام مقدس آسور گاری راستگی نازد و دینی میدادستند . اگر جوانی  
 بر خلاف نظر رئیس قبیله ولو به درستی و حقیقت صحبت میکرد ، خوشی عذر بود .  
 در این میان با کسری در روز جار و جنجالها و جنایات بشر از فرط ناراحتی بگوشه‌های  
 سیاه پناه برده ، غاری که در عین تاریکی روشن بود ، چشمه نوری در آن بسایست بکنای بر رگه  
 مشغول بود .

... آری در آ زمان که آسمان از توده‌های تاریک و جهل و نادانی بفریوشیده گشته و زمین  
 از خون ضلالت داشت سیراب میشد ناگهان از همان غار ، خورشیدی طلوع کرد که با انوار خود تمام  
 تاریکیها را از صحنه فریوز رنگ آسمان زدود و زمین گلگون از خون را گلگون از محبت نمود .  
 بردگان را آزادی بخشید و بخوا نریزی خاتم داد ، بلند مقامی برای همیشه زنان قائل گشت و

آنها را از قربانی شدن در راه موسهای کثیف و عنایدنا پاک مردان نجات داد ، قلبهای سنگین و  
 خونخوار را به قانون مستود و مسمی تبدیل نمود . با تعلیمات خود زور گویان و پادشاهان کاخ نشین  
 را وادار بتعلیم و تواضع در مقابل صفا کرد ، اختلافات طبقاتی را برین برد و همه را در یک ردیف  
 قرار داد تا آنجا که امروز پس از هزار و چهارصد سال وجود تأسیس هزاران قانون آزادی و  
 آزادی خواهی در سراسر دنیا ، بشریت به کامل بودن مساوات اسلام اقرار کرده و در کتر گوستاو  
 لوبون دانشمند فرانسوی را وادار میکند تا در کتاب خود چنین بنویسد :

« در میان مسلمین مساوات و برابری در نهایت درجه کمال میباشد » مغزهای  
 تاریک از جهل و نادانی و خشک از تمسب راه کسب علم و دانش وادار کرد و با تعلیمات قرآن از  
 همین خونخواران و برم ناشد نهیاد انشمنند و فاضل ساخت ، سلاح سلاح ایمان و تعلیماتش قوانین  
 قرآن بود ، قرآن که پس از هزار و چهارصد سال کهنه شده و حفا بش تا آنجا بر قلوب دانشمندان  
 و جهانیان جلوه گر گشته که آنها را در برابر خود بتعظیم و تکریم وایمیدارد . آقای ویزلر نویسنده  
 بزرگ انگلیسی میگوید :

« دیانت حق که من آنرا باعدنیت همدوس و همراه یافته تهادین اسلام است و اگر کسی  
 بخواهد چیزی از آن بشناسد باید قرآن و نظریات علمی و قوانین و نظامات اجتماعی آنرا بخواند  
 قرآن کتابی است علمی ؛ اجتماعی ؛ تهنیدی ؛ اخلاقی ، تاریخی و بیشتر  
 از نظامها و قوانین آن تا زمان ما بکار گرفته و تا پایان جهان هم باقی خواهد  
 ماند » .

... آری محمد (ص) چنان قوانینی در مجموعه قرآن برای بشریت آورد که اکنون که  
 قرن آتم و سیزدهم است دانشمندان بررگه دیوار بخود مشغول کرده ، توماس کار لایل  
 انگلیسی میگوید :

« این نکته واضح است که هر کلام حقیقی و درست در دلها تسلط و نفوذ  
 بخصوص دارد و حق آنستکه تمام کتب اعم از آسمانی و غیر آن در برابر قرآن ؛  
 کوچک و حقیر ند » .

فقوته شاعر معروف آلمان میگوید : « سالیان درازی کشیشان از خدا بیخبر ما را  
 ازین بردن بجات قرآن مقدس و عظمت آورنده آن دور نگه داشته اند ، اسرار قدر که ما قدم در جاده  
 علم و دانش گذاریم پرده جهل و تعصب ما بچارا رده ایم و عنقریب است که این کتاب تو صیف -  
 نا پذیر عالم را بخود جلب نموده و تأثیر عمیقی در علم و دانش جهان کرده عاقبت  
 محور افکار مردم جهان میگردد » .

و در جای دیگر لئون تولستوی بنویسد :  
 و قرآن مشتمل بر تعلیمات و حقایق روشن و آشکار و سهل است که عموم افراد بشر از هر

طبقه، بتواند از آن بهره‌مند گردد.

مثاله بر تراندراسل فیلسوف شهیر معاصر انگلیسی دهان عیب‌جویان و طغنه‌زنان مسیحی مغرب‌زمین را در هم کوبیده و پس از آنکه تهمت‌های بسته شده باسلام را رد می‌کند می‌گوید :

«تفوق حاور زمین در عهد اسلام تنها تفوق ظالمی بود بلکه در آن روز گاریکه اروپا دره  
«قسم توحش می‌زیست . علوم مختلف ، فلسفه ، شعر و هنرهای زیبا در کشورهای اسلامی رسوخ  
«کامل داشت . اروپائیان **یا وقاحت تمام** این دور را در عصر تاریکه می‌خوانند در سودتیکه  
«تاریکی فقط با اروپا منحصر بود در دست بگویم به اروپای مسیحی ! زیرا کشور اسپانیا که تحت  
«تسلط مسلمانان قرار داشت دارای تمدن و فرهنگ درخشانی بود .»

و بالاخره دانشمندان دیگری از قبیل : ولتر ، سرویلیام مولیس ، لردیدلی ،  
جان دیو پورت ، متر جون فنیزات ، دکتر لورا اواسیا و اسکلیری ، موسیو ساواری ؛  
هاولوک الیس ؛ بک خوری ، و دانشمند بزرگ مسیحیت دکتر شملی شمیل و دهها  
دانشمند بزرگ دیگر یکدل و یک زبان می‌گویند :

« محمد بزرگترین خیر خواهان نوع بشر است و ظهور محمد بنانده یکی از کاملترین  
«عقول در عالم می‌باشد و بقول برنارد شاف «محمد با ابحاث عده بشریت» .

**دوستان ارجمند :** توجه فرمائید : اینست نظریه دانشمندان باصلاح بیگانه درباره  
دین مبین اسلام و اینست نظریه فریفتگان حقیقت در هر دو ان بشریت و اینست احترامی که بیگانه نکان  
دانشمند برای قرآن مساقتانند .

اگر من ، محمد (ص) را بزرگترین قره بشر و بزرگترین منجی عالم انسانی بنام  
بحق اغراق و مبالغه نکرده‌ام ، قرآنی را که دانشمندان پیرو حوان بیگانه اینچنین در برابرش  
سر تعظیم فرود می‌آورند در میان ما مسلمانان دور از اسلام ، نظریه اقرات بالا می‌نویسند و مردگان  
و آویزان کردن به سینه کودکان و برای حفاظت می‌فرستند ، مورد استفاده قرار می‌گیرد در حالی  
که نمیدانیم عظمت و بهای این گوسر گر آما به تاجه انداز است ؛ دوستان عزیز اگر ما این  
گناه را بگردن پدران خود انداخته و غفلت خود را درباره اسلام و حقایق قرآن مولودین طلبیهای  
اجتماعات خود و گردانندگان آن بدانیم ، اکنون دیر نشده و ما می‌توانیم آن اشتباهات گذشته  
را با توبه و تفکر و تصمیم حیران کنیم .

بیانید تا از هم اکنون دست بدست هم داده و بجای آنکه در برابر دشمنان بیگانه جنیه دلاعی  
«بخود گرفته گاهی بی‌راه عقبنشینی را در پیش بگیریم با اتحاد و اتفاق عالمانه خود در امرای  
بک تجدید حیات و تجدید عظمت مهیا سازیم . خود را با انجام تکالیف مقدس اسلام موظف دانسته  
و در راه پیشرفت آن قدم برداریم بیانید تا قدر اینگونه گر آما به داشته باشیم . بیانید تا اجازت  
ندهمی کما و از آن حیویان جدا کنند ، گر هر غای دشمنی را که ما در دست داریم و دیگران چشم  
حسرت بدان می‌نگرند ، محترم شمرده و آنرا با زانی تفروشیم .